

# دگرگونی مفهوم تروریسم؛ بررسی موردی تروریسم در هند

دکتر مجتبی مقصودی\*

شقایق حیدری\*\*

## چکیده:

یکی از مباحث عمده مورد توجه نظریه پردازان در جهان امروز، تروریسم، اهمیت، کارکرد و جایگاه ویژه آن است. تروریسم، از چالش‌های جدی امنیتی در دوران جهانی شدن شمرده می‌شود که بر ناامنیهای جهانی افزوده است. در این نوشتار به بررسی ماهیت تروریسم در دوران کنونی و همچنین علل رویدادهای تروریستی و شناخت ریشه‌های آن، که یکی از ضرورت‌ترین نیازهای امنیتی امروز در جهان است می‌پردازیم.

در این راستا سه پرسش اصلی نیز مطرح است: تروریسم در دوران جهانی شدن چه دگرگونی نسبت به گذشته داشته است؟ چه عواملی در این دگرگونی اثرگذار بوده است؟ و چه راهکارهایی برای مبارزه با تروریسم می‌توان اندیشید؟

مرزهای جغرافیایی ویژه‌ای قرار ندارد و خطری برای جهان شمرده می‌شود.

## پیشگفتار:

تروریسم بی‌گمان یکی از برجسته‌ترین مسائل و دشواریها در جهان کنونی است. صدها سمینار و همایش برای شناختن و بررسی علل و ریشه‌های تروریسم و روشهای جلوگیری از آن برپا شده و هزاران کتاب، در این باره در زمینه‌های گوناگون مانند جامعه‌شناسی، سیاسی، حقوقی، مذهبی و اخلاقی نگاشته شده است. اما، نه تنها پدیده تروریسم از میان

تروریسم بزرگترین خطر برای صلح و امنیت ملی و بین‌المللی شمرده می‌شود. این پدیده به سبب پیوند آن با تکنولوژیهای تازه، به یک گرفتاری راهبردی تبدیل شده و توانسته است گروههایی کوچک، اما با ساختارهای پیچیده را به بازیگران برجسته در بهینه بین‌المللی تبدیل کند. در این سالها، با گسترش پدیده تروریسم، جامعه انسانی مورد تهدید قرار گرفته است و این پدیده در درون

\* دانشیار علوم سیاسی - دانشگاه آزاد اسلامی

\*\* کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای

خشونت، وجود هدفهای سیاسی و قصد ایجاد ترس در جمعیت هدف.<sup>۲</sup>

از دید «یورگن هابرماس»، خشونت تروریسم که از بنیادگرایی سرچشمه می‌گیرد، به گونه‌ای در چارچوب آسیب‌شناسی ارتباطی می‌گنجد که از بدگمانی مایه می‌گیرد و به شکست ارتباط می‌انجامد. از دید او، تروریسم در سایهٔ مدرنیسم نیز آسیب‌زده و بی‌ریشه پدید می‌آید. بدین سان، اصلاح ساختار و چگونگی ارتباط، می‌تواند بر مشکلات برآمده از تروریسم پیروز شود.<sup>۳</sup>

تروریسم دربرگیرنده سه مؤلفهٔ اصلی است: قربانی، تروریست و مخاطب. در این میان، هدف اصلی، قربانی است؛ بویژه هنگامی که هدف حملهٔ تروریستی روشن نباشد، این مسئله نمود بیشتری دارد. می‌توان گفت که در بیشتر تعریفها از تروریسم، هدف قرار دادن غیر نظامیان کاری تروریستی دانسته می‌شود. در مورد ترور کننده نیز بحثهایی وجود دارد. برای نمونه، اگر دولتی در برابر شهروندانش روشهای تروریستی به کار گیرد، آیا می‌توان آنرا اقدامی تروریستی نامید؟ در یک تعریف کلی می‌توان گفت که تروریستها، اشخاص یا گروههایی با ملیتهای گوناگون یا

نرفته یا کمتر نشده است، بلکه بر دامنه و گوناگونی آن افزوده شده است.

تروریسم پدیده‌ای بسیار پیچیده است؛ زیرا در چند دههٔ گذشته همواره دگرگون شده است. شاید بتوان گفت که تروریسم، در شکل نخستین آن، رابطه‌ای نزدیک با آرمانهای جامعهٔ بشری داشته است. در دوران جنگ جهانی یکم، این واژه، مفاهیم انقلابی پیشین خود را به همراه داشت. در آن دوران، با فروپاشی امپراتوریهای عثمانی و اتریش-مجارستان، ناآرامیها و شورشها افزایش یافت. پس از جنگ جهانی دوم، تروریسم، نخست برای اشاره به شورشهای خشونت‌آمیز به کار می‌رفت؛ سپس از سوی گروههای ضد استعماری-ناسیونالیست و قومی گوناگون در آسیا، افریقا و بویژه در خاورمیانه در پایان دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ در مخالفت با استعمارگران به کار گرفته شد. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، تروریسم رنگ انقلابی به خود گرفت. با وجود این، واژهٔ تروریسم اکنون ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده و گروههای جدایی‌خواه قومی و ناسیونالیست را در خود جای داده است یا برخی گروهها را که با گونه‌های تازهٔ استعمارگری مخالفت می‌کنند. همچنین، تروریسم، بعنوان ابزاری برای بی‌ثبات کردن جهان به کار گرفته می‌شود.

تروریسم در ادبیات سیاسی بسیاری از کشورها همواره یک مسئله یا موضوع امنیتی مهم بوده است؛ اما پس از رویدادهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به یکی از مهم‌ترین جستارها در زمینهٔ امنیت بین‌المللی تبدیل شد. یکی از آثار رویدادهای ۱۱ سپتامبر، دگرگون شدن حوزهٔ اقدامات تروریستی بوده است.

### الف - تروریسم از دید تئوریک

در یک مفهوم، تروریسم به کاربرد خشونت سیاسی، تهدیدهای اجتماعی یا حمله‌های برنامه‌ریزی شده‌ای گفته می‌شود که با جنگ نامتعارف پیوند نزدیک دارد. ترور، کاری منفرد یا عاطفی نیست بلکه اقدامی است گروهی، سازمان یافته و حتا یک استراتژی سیاسی است.<sup>۱</sup> از تروریسم برداشتهای گوناگون می‌شود؛ اما در همهٔ این برداشتها سه نکتهٔ بنیادی دیده می‌شود: کاربرد

○ تروریسم بزرگترین خطر برای صلح و امنیت ملّی و بین‌المللی شمرده می‌شود. این پدیده به سبب پیوند آن با تکنولوژیهای تازه، به یک گرفتاری راهبردی تبدیل شده و توانسته است گروههایی کوچک، اما با ساختارهای پیچیده را به بازیگران برجسته در پهنهٔ بین‌المللی تبدیل کند. در این سالها، با گسترش پدیده تروریسم، جامعهٔ انسانی مورد تهدید قرار گرفته است و این پدیده در درون مرزهای جغرافیایی ویژه‌ای قرار ندارد و خطری برای جهان شمرده می‌شود.

به افرادی گفته می‌شود که کار تروریستی، آنها را تهدید می‌کند. گفتنی است که در بیشتر موارد، مخاطبان، همان قربانیان نیستند. در رویدادهای ۱۱ سپتامبر، مخاطب القاعده همه جهانیان بودند، نه تنها قربانیان نگون بخت در آن رویداد. اما چرا تروریستها مخاطبان را چنین بر شمار می‌خواهند؟ تروریستها می‌خواهند با ایجاد ترس گسترده به هدفهای خود برسند. آنها می‌خواهند مخاطبان در سایه این ترس، بر تصمیم گیرندگان سیاسی فشار آورند که خواسته‌های آنها را بر آورده کنند. از این رو، این روش در مورد دموکراسیهای لیبرال که دولتها از جان و مال شهروندان نشان پشتیبانی بیشتری می‌کنند و به خواسته‌های آنان توجه بیشتری دارند، بسیار کارساز است.<sup>۲</sup>

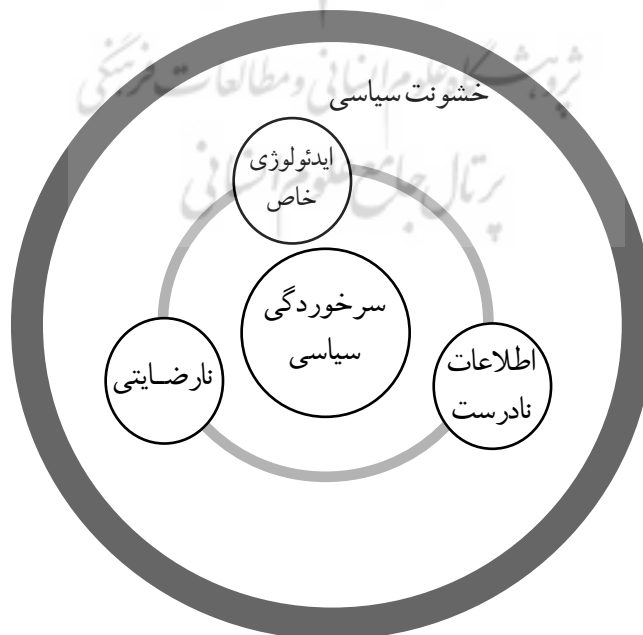
#### ریشه‌ها و عوامل تروریسم:

گروههای تروریستی، انگیزه‌های گوناگون دارند. از دید سنتی، بیشتر تروریستها انگیزه‌های قومی-ناسیونالیستی دارند و چه بسا از اقوامی هستند که با ستم یا بی‌مهری دولت روبه‌رو شده‌اند. همچنین، ممکن است تروریستها انگیزه‌های مذهبی داشته باشند یا اینکه اقدامات آنها از نبود عدالت اجتماعی یا تعصب مایه گرفته باشد؛ ممکن است هدفهای دیگری نیز داشته باشند. در

○ در یک مفهوم، تروریسم به کاربرد خشونت سیاسی، تهدیدهای اجتماعی یا حمله‌های برنامه‌ریزی شده‌ای گفته می‌شود که با جنگ نامتعارف پیوند نزدیک دارد. ترور، کاری منفرد یا عاطفی نیست بلکه اقدامی است گروهی، سازمان یافته و حتماً یک استراتژی سیاسی است. از تروریسم برداشتهای گوناگون می‌شود؛ اما در همه این برداشتها سه نکته بنیادی دیده می‌شود: کاربرد خشونت، وجود هدفهای سیاسی و قصد ایجاد ترس در جمعیت هدف.

حتماً ساختگی هستند، نه خود دولتها. با وجود این، دولتها می‌توانند با دادن جای امن، پول، جنگ افزار، اطلاعات، آموزش یا ابزارهای دیگر از تروریستها پشتیبانی کنند. هنگامی که دولتی به یک گروه تروریستی کمک می‌کند، آن دولت، پشتیبان تروریسم شناخته می‌شود. سرانجام می‌توان گفت که مخاطب،

#### نمودار (۱)



خشونت آمیز باشد.<sup>۷</sup>

شتاب در روند جهانی شدن در ابعاد گوناگون و بروز مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بویژه اقتصادی، دشواریهای گوناگون برای بخشهای بزرگی از جوامع بشری پدید آورده است. از این رو بسیاری از جوانان درگیر این دشواریها که افق روشنی حتا در دور دست نمی بینند، برای ابراز نارضایتی خود و جلب توجه جهانیان به کارهای تروریستی روی آورده اند. هر چند بیشتر جوامع و فرهنگها خود را کمابیش با درگیر گونیهای مهم ناشی از جهانی شدن هماهنگ کرده اند، اما این فشارها با ایستادگیهایی نیز روبه رو شده است. بنیادگرایی مذهبی برجسته ترین گونه این ایستادگی بوده است.<sup>۸</sup>

در سنند راهبرد امنیت ملی امریکا (۲۰۰۶)، آمده است که تروریسم پیش از هر چیز از سر خوردگی سیاسی برمی خیزد. در این چارچوب، تروریستهای فراملی کسانی هستند که در دولتهای خود هیچ صدایی ندارند و هیچ راه مشروعی برای ایجاد درگیری در کشورهایشان نمی بینند. علت دوم، نارضایتی است و خرده فرهنگهای برآمده از ثوریهای توطئه و داده های نادرست سومین علت و ایدئولوژی ویژه چهارمین عامل تروریسم معرفی شده است. در این سند، اسلام تحریف شده که از کشتار ستایش می کند، خاستگاه ایدئولوژی

○ تروریستها می خواهند با ایجاد ترس گسترده به هدفهای خود برسند. آنها می خواهند مخاطبان در سایه این ترس، بر تصمیم گیرندگان سیاسی فشار آورند که خواسته های آنها را بر آورده کنند. از این رو، این روش در مورد دموکراسیهای لیبرال که دولتها از جان و مال شهروندانشان پشتیبانی بیشتری می کنند و به خواسته های آنان توجه بیشتری دارند، بسیار کار ساز است.

سالهای گذشته برخی گروههای تروریستی (مانند حرکت جهادی-اسلامی در بنگلادش) خواهان برپایی یک رژیم تندرو اسلامی در بنگلادش شده اند.<sup>۵</sup> بن مایه های تروریسم را می توان چنین دسته بندی کرد:

۱- تنگدستی و محرومیت: نخستین موضوعی که از دید برخی رهبران سیاسی و پژوهشگران، یکی از دلایل یاریشه های تروریسم شناخته می شود، تنگدستی، کمبود آموزش یا محرومیت و احساس نبود عدالت اجتماعی است؛ اما برخی اطلاعات نشان می دهد که تروریستها از لایه های میانی جامعه هستند و بیشتر زمینه آموزشهای دانشگاهی دارند. نگرش بسیار رایج این است که بیچارگی و تنگدستی سبب شورش می شود؛ اما در بررسی دلایل ریشه ای تروریسم در می یابیم که تنها برخی از علل این پدیده مشکلات اقتصادی است. بر اثر دلایل گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برخی جوامع مورد تهدید تروریسم واقع می شوند یا پاره ای دیگر تروریست پرور می شوند. به سخن دیگر، تروریسم می تواند علت های فردی یا اجتماعی داشته باشد. بر اثر عوامل گوناگون، یک تروریست از دیگر افراد جامعه جدا می شود و چه بسا مفروضات نادرستی در ذهن تروریست نیز او را به کارهای خشونت آمیز بکشانند.<sup>۶</sup>

از دید یورگن هابرماس، تروریسم از پیامدهای منفی مدرنیسم است. به باور او، عامل تروریسم شتابی است که مدرنیته تحمیل می کند و در شیوه های زندگی سنتی، واکنشهای دفاعی پدید می آورد. از نظر او، جهانی شدن، نقش بنیادی در تروریسم بازی می کند و رشد نابرابریها نیز برخاسته از روند شتابنده مدرنیته است. از این رو کشورهایی که مدرنیسم شتابنده ای را تجربه می کنند، بیشتر دستخوش تروریسم هستند. دیگر گونیهای اقتصادی شرایطی پدید می آورد که به بی ثباتی و جنبشهای گوناگون بویژه حرکتهای تند شبه نظامی و ایدئولوژی می انجامد. اعضای پویای گروههای تروریستی، بیشتر از میان جوانان تنگدست و بی سواد برمی خیزند. پس نابرابریها در یک کشور می تواند زمینه مناسبی برای جنبشهای سیاسی

شمرده شده است.<sup>۹</sup> (نمودار يك)

اما باید دید که نظرات مربوط به خشونت سیاسی از دیدگاه محرومیت نسبی از چه هنگامی مطرح شده است. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ سربر آوردن ملتهای تازه توجه پژوهشگران را به خود جلب کرد. دگرگونیهای سیاسی بی‌گمان بخشی از فرایندی بوده است که در آن، جوامع سنتی به موازات رشد اقتصادشان و بهبود سطح آموزشی مردمانشان به دولتهای مدرن تبدیل شده‌اند. با وجود این، خشونت گسترده‌ای که همراه این دگرگونی پدید آمده، بسیار چشمگیر بوده است: انقلابها، کودتاها، شورشها و جنگهای داخلی ناگهان همه جا به راه افتاد. برخی از پژوهشگران نظراتی برای تبیین انواع این خشونت‌های سیاسی ابراز کردند. با رویکرد روانشناختی، نظریه خشونت سیاسی از سوی «دیویس» مطرح شد و «تدرابرت گر» آنرا پالایش کرد. بر پایه این رویکرد تلاش می‌شد انواع بدبختی‌هایی که می‌تواند به ناآرامیهای سیاسی بینجامد تعیین و از این راه به بهبود این رویکرد که «بدبختی پدید آورنده شورش است»، کمک شود. به سخن دیگر، یکی از ریشه‌های تروریسم، درگیریهای حل نشده سیاسی، سرخوردگی و بالاتر از آنها ناآگاهی و نادانی دانسته شد.

به گفته این نویسندگان، مردمان هنگامی سرکوب و تنگدستی را می‌پذیرند، که آنرا سرنوشت بی‌چون و چرای زندگی‌شان بدانند. هنگامی که مردمان انتظار زندگی بهتری داشته باشند و آرزوهای خود را نقش بر آب ببینند، چه بسا گرفتار پرخاشگری و خشم شوند. بنابراین هرگونه دگرگونی در جامعه که خواست مردمان را برای زندگی بهتر افزایش دهد، بی‌اینکه زمینه برآورده شدن این خواسته‌ها فراهم آورد، می‌تواند سبب بی‌ثباتی سیاسی شود. این خواسته‌ها می‌تواند دربرگیرنده تماسهای فرهنگی با جوامع اقتصادی پیشرفته‌تر باشد اقتصاد شتابنده ولی نامتوازن باشد. دیویس می‌گوید آمیزه‌ای از رویدادها، بویژه دوره‌ای از رفاه فزاینده که امیدهای مردمان را برای زندگی بهتر افزایش می‌دهد و سپس يك ركود اقتصادی سنگین که این امیدها را بر باد می‌دهد، مایه پیدایش احساس نیرومند ناکامی و پرخاشگری می‌شود.<sup>۱۰</sup>

برخی از پژوهشگران بر این باورند که انقلابها، خشونت‌ها یا مشارکت مردمان در جنبشهای تندرو اجتماعی در سایه احساس ناکامی یا نگرانیهای اجتماعی صورت نمی‌گیرد، بلکه برای رسیدن به سود بیشتر و با انگیزه‌های سودجویانه است. بر پایه این دیدگاه، انگیزه اصلی افراد از پیوستن به احزاب و جنبشهای اجتماعی و انقلابی، منافع شخصی است.

ناکامی نسبی، از شکاف میان تواناییهای ارزشی و خواستههای ارزشی برمی‌خیزد. خواستههای ارزشی کالاها و شرایط زندگی است که مردمان خود را سزاوار آن می‌دانند و تواناییهای ارزشی، موقعیتهایی است که بازیگران خود را در رسیدن به آن توانا می‌دانند. در این میان احساس ناکامی می‌تواند تنها يك پندار یا يك حقیقت یا آمیزه‌ای از آنها باشد. با وجود این، احساس ناکامی نسبی (ناشی از پندار یا حقیقت) سبب نارضایتی خواهد شد. رضایتمندی نیز از همخوانی تواناییهای ارزشی و خواستههای ارزشی برمی‌خیزد.<sup>۱۱</sup>

احساس ناکامی نسبی می‌تواند هم در تنگدستان و هم در ثروتمندان وجود داشته باشد. پس ناکامی نسبی يك احساس مطلق به شمار نمی‌رود، بلکه نگرشها و

○ نخستین موضوعی که از دید برخی رهبران سیاسی و پژوهشگران، یکی از دلایل یا ریشه‌های تروریسم شناخته می‌شود، تنگدستی، کمبود آموزش یا محرومیت و احساس نبود عدالت اجتماعی است؛ اما برخی اطلاعات نشان می‌دهد که تروریست‌ها از لایه‌های میانی جامعه هستند و بیشتر زمینه آموزشهای دانشگاهی دارند. نگرش بسیار رایج این است که بیچارگی و تنگدستی سبب شورش می‌شود؛ اما در بررسی دلایل ریشه‌ای تروریسم درمی‌یابیم که تنها برخی از علل این پدیده مشکلات اقتصادی است.

○ تروریسم می تواند علت‌های فردی یا اجتماعی داشته باشد. بر اثر عوامل گوناگون، يك تروریست از دیگر افراد جامعه جدا می شود و چه بسا مفروضات نادرستی در ذهن تروریست نیز او را به کارهای خشونت آمیز بکشانند.

غیر خشونت آمیز ادیان را در یابند.<sup>۱۳</sup>

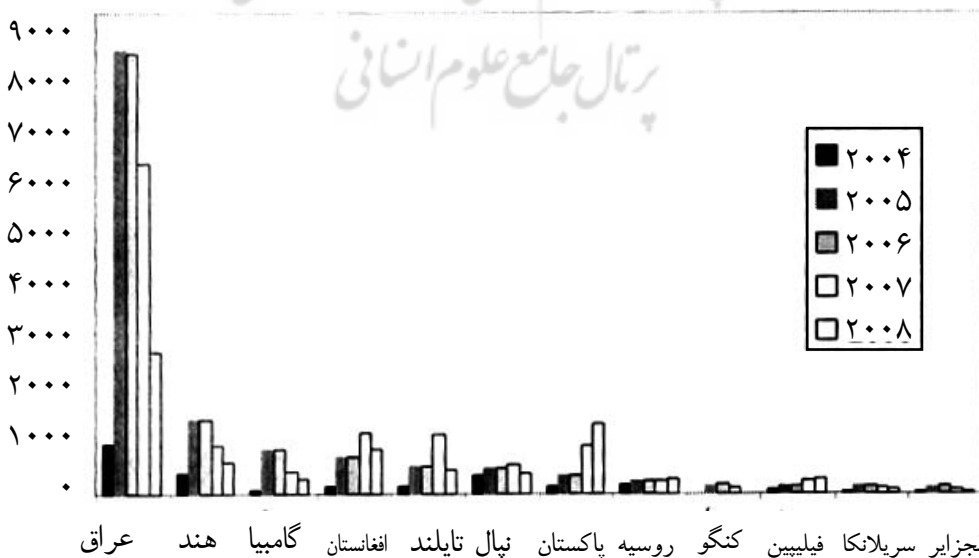
۳- مسائل قومی - ناسیونالیستی: تنشهای قومی - ملی نیز می تواند از عوامل گسترش تروریسم باشد. برای نمونه، یکی از انگیزه‌های اصلی جنگ در کشمیر همین است. از این رو، حل و فصل برخوردهای قومی - ملی، می تواند از بروز و گسترش تروریسم جلوگیری کند. همچنین، توزیع ناعادلانه فرصت‌های سیاسی، اجتماعی و بویژه اقتصادی میان قومیت‌های گوناگون در يك کشور، می تواند خشونت را در آن کشور گسترش دهد.<sup>۱۴</sup> باید دانست که، هویت قومی هنگامی به اقدام و بسیج سیاسی تبدیل می شود که گروه‌های سیاسی یا دولت از راه‌های گوناگون دست به تهدید یا ستم به وابستگان به قومیتی خاص بزنند؛ در این صورت باید

باورهای شخص به چنین احساسی پروبال می دهد. همچنین هر میزانی از ناکامی سبب نارضایتی نخواهد شد، بلکه میزانی از نابرابری و ناکامی که در سنجش با دیگر بازیگران پدید می آید، به نارضایتی می انجامد. گاهی نیز احساس ناکامی نسبی ممکن است از پندار نادرست یا زیاده‌خواهی مایه گرفته باشد.

۲- ایدئولوژی و مذهب: از دیگر عوامل بسیار کارساز در گسترش تروریسم اختلاف و تضادهای مذهبی و ایدئولوژیک است. دین، مذهب و ایدئولوژی عامل بسیار مهمی در برانگیختن احساسات انسان و واداشتن او به کارهای جسورانه و از جان گذشتگی است.

هر چند همه ادیان، منادی صلح هستند، ولی برخی از پیروان آنها، راه‌های خشونت آمیز در پیش می گیرند. مفاهیم فراوانی در کتابهای آسمانی درباره صلح و پرهیز از خشونت آمده است، اما بی گمان جهانی شدن، آثار گوناگونی بر سیاست، جامعه، فرهنگ و رفتارهای مذهبی داشته است.<sup>۱۲</sup> همچنین، برخی رهبران گروه‌های تروریستی، از گرایش‌های مذهبی کسانی که آمادگی دست زدن به رفتارهای خشونت آمیز دارند، بهره گیری و رفتارهای تروریستی را با نام دین توجیه می کنند. پیروان دین‌های گوناگون نیز با بررسی آموزه‌های سنتی ادیان خود، می توانند آموزه‌های

نمودار (۲) هشت کشور نخست جهان از لحاظ تعداد حملات تروریستی (۲۰۰۸-۲۰۰۴)



فرآورده دهه ۱۹۷۰ و اعتراض به مصرف گرایی در جهان سرمایه داری بود، نیز می توان از دیگر ریشه های تروریسم دانست؛ این رویکرد در میان کشورهای جهان سوم پیروان بسیاری پیدا کرد و به زیاده رویهای اجتماعی برآمده از نوسازی و نوگرایی و سست شدن اندیشه های سنتی در جهان نو واکنش نشان داد.

هدی قانونی و آشفته گی: نبود تعادل و انسجام و نیز بی قانونی در جامعه عامل دیگری برای پیدایش و گسترش تروریسم است. هر اندازه همبستگی و پیوند لایه های جامعه بیشتر باشد، به همان نسبت رشد تروریسم در آن کمتر است.

عمرسازانه های گروهی: مسئله دیگر، ارتباط میان پوشش رسانه ای و گسترش تروریسم است. پژوهش های بسیار نشان داده است که میان پوشش رسانه ای، و از همه مهمتر تلویزیونی، و گسترش تروریسم پیوند وجود دارد. رسانه ها به سادگی شیوه ها و الگوهای تروریستی را در اختیار دارندگان انگیزه های تروریستی می گذارند و می توانند به روشهای گوناگون در آنها ایجاد انگیزه کنند.<sup>۱۷</sup>

همچنین، در سه دهه گذشته بویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، گونه دیگری از تروریسم پا گرفته که از سوی بنیادگرایان تندرو هدایت می شود و اوج آن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود. بررسی اقدامات تروریستی گروه های مذهبی در گذشته می تواند به شناخت حرکت های تروریستی تازه ای که با همان انگیزه ها صورت می گیرد کمک کند، اما مکانیسم های اجرایی آنها دگرگون شده است. در این چند دهه، کارهای تروریستی بیشتر با انگیزه های آرمانگرایانه و ایدئولوژیک صورت گرفته است که برخی کسان آنها را گروه های ترور مقدس می نامند. گروه هایی که با انگیزه های ایدئولوژیک به اقدامات تروریستی می پردازند، با وجود گوناگونی، دارای همسانی هایی نیز هستند.

#### ب - گونه های تروریسم:

۱- تروریسم سیاسی: برای اثر گذاشتن بر دگرگونی های اجتماعی - سیاسی به کار می رود که پدید

○ از دید یورگن هابرماس، تروریسم از پیامدهای منفی مدرنیسم است. به باور او، عامل تروریسم شتابی است که مدرنیته تحمیل می کند و در شیوه های زندگی سنتی، واکنش های دفاعی پدید می آورد. از نظر او، جهانی شدن، نقش بنیادی در تروریسم بازی می کند و رشد نابرابریها نیز برخاسته از روند شتابزده مدرنیته است. از این رو کشورهای که مدرنیسم شتابنده ای را تجربه می کنند، بیشتر دستخوش تروریسم هستند. دگرگونی های اقتصادی شرایطی پدید می آورد که به بی ثباتی و جنبش های گوناگون بویژه حرکت های تند شبه نظامی و ایدئولوژیک می انجامد. اعضای پویای گروه های تروریستی، بیشتر از میان جوانان تنگدست و بی سواد بر می خیزند. پس نابرابریها در یک کشور می تواند زمینه مناسبی برای جنبش های سیاسی خشونت آمیز باشد.

انتظار جنبش قومی را داشت. بیشتر جنبش های قومی، در دهه های پایانی سده بیستم، در پاسخ به تهدیدهای محیط سیاسی مانند انکار یا نابرابری سربر آورده است.<sup>۱۵</sup>

از سوی دیگر، هویت ملی نیز چه بسا از درون کشور چند قومی تهدید شود. وجود شکاف های ریشه دار، امکان انسجام نیازها و ارزشها و پیوندهای مشترک ملی را بیش از آن اندازه که از پیش وجود داشته نمی دهد و هر گروه قومی، هویت جمعی ویژه خود را بر پایه ارزشها و پیوندهای گروهی به جای پیوندهای ملی پدید می آورد.<sup>۱۶</sup>

۴- نورادیکالیسم: رادیکالیسم نو یا چپ نورا که

آوردن آنها به شیوه‌های مسالمت آمیز ممکن به نظر نمی‌رسد. این گونه از تروریسم از سوی گروه‌های کوچک و بی‌بهره از پایگاه قدرت به کار می‌رود.<sup>۱۸</sup>

۲- تروریسم مذهبی: در این گونه از تروریسم، به پدیده‌های خشونت آمیز بر پایه باورهای مذهبی مشروعیت بخشیده می‌شود. در این چارچوب تروریسم مسیحی، تروریسم اسلامی، تروریسم یهودی و تروریسم هندو بعنوان گونه‌هایی از تروریسم مذهبی معرفی شده است. مشکل اصلی در اینجا بنیادگرایی است. تروریسم مذهبی هر چند از نظر بنیادهای فکری و عملی خود، ریشه در سده هجدهم و دوران استعمار دارد، اما در سایه بحرانهای بزرگ دهه ۱۹۶۰، مانند جنگ اعراب و اسرائیل، توانست جانی تازه بگیرد و فرصت ابراز وجود یابد.

تندرها دست به کارهای خشونت آمیز می‌زنند و اندیشه‌های آرمان‌گرایانه رادیکال، که نوید زندگی اینجهانی بهتر می‌دهد، در چارچوب جنبشهای مذهبی که بر زندگی بهتر در جهان دیگر تأکید دارند، رخ می‌نماید.<sup>۱۹</sup>

۳- تروریسم با پشتیبانی دولتها: برخی دولتها، از پاره‌ای سازمانهای تروریستی پشتیبانی می‌کنند و به آنها کمکهای مالی می‌دهند. اصطلاح دیگری که بر سر زبانها افتاده، «تروریسم دولتی» است و منظور از آن انجام گرفتن کارهای تروریستی از سوی مأموران یک دولت خاص است.

۴- تروریسم داخلی: تروریسم داخلی در درون مرزهای یک کشور سربرمی‌آورد و اثر آن تنها به خود کشور، نهادها، شهروندان و اقتصاد آن محدود می‌شود. در یک رویداد تروریستی داخلی، مرتکبان، قربانیان و مخاطبان، همگی از همان کشورند. در مبارزه با تروریسم داخلی، یک کشور می‌تواند به خود متکی باشد؛ البته اگر منابع کافی داشته باشد. برای مبارزه با تروریستهای داخلی، بهتر است خود کشور اقدام کند، تا تهدیدی متوجه کشورهای دخالت کننده دیگر نشود.<sup>۲۰</sup>

۵- تروریسم بین‌المللی: این گونه تروریسم از دهه ۱۹۷۰ رواج یافت. تروریسم در معنای بین‌المللی، آن است که رویداد تروریستی در کشوری جز کشور

عاملان یا قربانیان صورت می‌گیرد. همچنین، گاهی ممکن است رویداد تروریستی در کشوری آغاز شود و در کشوری دیگر پایان یابد. در این موارد، چند کشور در یک رویداد تروریستی دخالت می‌کنند. همچنین، در برخی موارد گروههای تروریستی در چند کشور گوناگون شعبه دارند. بیشتر، چنین پدیده‌ها می‌شود که افراد غیر دولتی دست به چنین اقداماتی می‌زنند.<sup>۲۱</sup> اما، تجربه سالهای گذشته نشان می‌دهد که چنین تعریفی فراگیر نیست، زیرا با بررسی عملیات گوناگون تروریستی که دست کم در سه دهه گذشته در سراسر جهان انجام گرفته، این واقعیت روشن می‌شود که بسیاری از گروههای تروریستی به ظاهر مستقل، از پشتیبانی برخی دولتها برخوردار بوده‌اند. در نظام بین‌الملل کنونی، تروریسم به اقدام برضد دولتها محدود نمی‌شود. زیرا دولتها تنها بازیگران در پهنه بین‌الملل نیستند و نیروهای فراملی تازه‌ای چون سازمانهای بین‌المللی و شرکت‌های چند ملیتی بعنوان عوامل محدود کننده قدرت و امنیت دولتها وارد پهنه بین‌الملل شده‌اند و همین، سبب شده است که دامنه تروریسم گسترش یابد و افزون بر دولتها، سازمانها، گروههای گوناگون، حتی افراد و ملت‌ها را دربرگیرد.

○ در سند راهبرد امنیت ملی امریکا (۲۰۰۶)، آمده است که تروریسم پیش از هر چیز از سر خوردگی سیاسی برمی‌خیزد. در این چارچوب، تروریستهای فراملی کسانی هستند که در دولتهای خود هیچ صدایی ندارند و هیچ راه مشروعی برای ایجاد دگرگونی در کشورهايشان نمی‌بینند. علت دوم، نارضایتی است و خرده فرهنگهای برآمده از تئوریهای توطئه و داده‌های نادرست سومین علت و ایدئولوژی ویژه چهارمین عامل تروریسم معرفی شده است.



تروریست‌ها قرار دارد که هر گاه بخواهند، می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند. این‌گونه تروریسم، هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای رو به توسعه پدید می‌آید.<sup>۲۳</sup>

### ب- بررسی پیشینه تاریخی تروریسم

کمتربه پیشینه و چندوچون دگردیسی این پدیده پرداخته شده است؛ اما به روشنی بیداست که بی‌آگاهی از چگونگی دگرگونی تاریخی این پدیده، نمی‌توان برای پیشگیری از آن چاره‌اندیشی کرد. بررسی تاریخی تروریسم نشان می‌دهد که این واژه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ زاده نشده، بلکه برای هزاران سال، بخشی از زندگی انسانی بوده است. هر چند به کارگیری ترور بعنوان راهکاری در جنگ و سیاست، اثری انکارناشدنی در سراسر تاریخ داشته است، ولی کاربرد مدرن آن به دوران روشنگری در پایان سده هجدهم و به فرانسه برمی‌گردد. در آن دوران بود که برای نخستین بار، دولت فرانسه برای رسیدن به هدفهای سیاسی خود از ترور بهره گرفت. پس از آن، این واژه به گستردگی در حوزه سیاست به کار رفته است. تروریسم در سراسر سده بیستم دستمایه گروههای گوناگونی بوده است که برخی از آنها هم اکنون به فراموشی سپرده شده‌اند.

پیدایش گروههایی با تاکتیکهایی همچون تاکتیکهای القاعده، در چند دهه گذشته توجه بسیاری از

تروریسم بین‌المللی دو ویژگی آشکار دارد: یکی نداشتن هدفی واقع‌گرایانه و دیگری بهره‌گیری از شکنندگی نظامهای پیچیده. گفتنی است که پیشرفتهای تکنولوژیک در زمینه‌های اطلاعات و ارتباطات و پیشرفتهای اقتصادی، در با گرفتن و گسترش این پدیده نقش داشته است.

۵- سایبر تروریسم: مهمترین اثر گسترش ارتباطات در جهان امروز، افزایش میزان حساسیت و آسیب‌پذیری دولتهاست. امروزه، بازیگران غیردولتی یا شبکه‌ای، در پهنه نظام بین‌الملل با بهره‌گیری از پدیده تهدید نامتقارن، قدرتهای تازه‌ای یافته‌اند و توان وارد آوردن ضربه به نیروهای بزرگتر از خود پیدا کرده‌اند.<sup>۲۲</sup> اثر شگرفی که پیشرفتهای تکنولوژیک بر سرشت و نمود تروریسم گذاشته، چشمگیر است. یکی از این آثار ورود اصطلاح سایبر تروریسم به گفتمان تروریسم است. اینترنت یا جهان مجازی، محیطی آفریده است که در آن می‌توان انواع جرایم را دید و از آنجا که جهان مجازی حد و مرزی ندارد، مشکلات بسیار چه از جهت قانون‌گذاری و چه از جهت نظارت پدید می‌آورد.

۶- تروریسم پُست‌مدرن: تفاوت تروریسم پُست‌مدرن با گونه‌های گذشته آن این است که قربانیان آن بیشتر شهروندان بی‌گناهی هستند که یا تصادفی برگزیده شده‌اند یا آنکه به گونه اتفاقی در صحنه حضور داشته‌اند. به نظر می‌رسد که تروریسم پُست‌مدرن هیچ محدودیتی را چه در درون و چه در بیرون بر نمی‌تابد. این گونه از تروریسم، بین‌المللی است و شهروندان عادی را بیش از نظامیان هدف قرار می‌دهد؛ همواره جابجا می‌شود؛ از تکنولوژیهای جهانی ارتباطات و اطلاعات بهره‌می‌گیرد؛ با سلولهایش که نقش شبکه‌های اطلاعاتی دارند، می‌تواند پیوسته خود را بازیابی کند و به قید و بندهای رسمی شناخته شده پایبند نباشد؛ از اهمیت رسانه‌های همگانی برای اثر گذاشتن بر افکار عمومی آگاه است و بر کاربرد آنها تأکید می‌کند؛ از نظر نظامی از پیشرفته‌ترین روشها در زمینه آموزشهای نظامی بهره‌مند است؛ درباره منابع مالی همانند کارتهای قاچاق دارو عمل می‌کند و افزون بر همه اینها، آگاهیهای کافی از جنگ افزارهای بیولوژیک در اختیار این گونه

○ با رویکرد روانشناختی، نظریه خشونت سیاسی از سوی «دیویس» مطرح شد و «تد رابرت گر» آنرا پالایش کرد. بر پایه این رویکرد تلاش می‌شد انواع بدبختی‌هایی که می‌تواند به ناآرامیهای سیاسی بینجامد تعیین و از این راه به بهبود این رویکرد که «بدبختی پدید آورنده شورش است»، کمک شود. به سخن دیگر، یکی از ریشه‌های تروریسم، درگیریهای حل نشده سیاسی، سرخوردگی و بالاتر از آنها ناآگاهی و نادانی دانسته شد.

○ مردمان هنگامی سرکوب و تنگدستی رامی پذیرند، که آنرا سرنوشت بی چون و چرای زندگیشان بدانند. هنگامی که مردمان انتظار زندگی بهتری داشته باشند و آرزوهای خود را نقش بر آب ببینند، چه بسا گرفتار پر خاشگری و خشم شوند. بنابراین هر گونه دگرگونی در جامعه که خواست مردمان را برای زندگی بهتر افزایش دهد، بی اینکه زمینه برآورده شدن این خواستها را فراهم آورد، می تواند سبب بی ثباتی سیاسی شود.

این جنبش را نمونه کامل يك سازمان تروریستی هوادار خشونت انقلابی در دوران نو می دانند زیرا اعضای آن برخلاف دیگر انقلابیان، پردازنده و هوادار گونه ای فلسفه «ترور شخصی» بودند. این گروه مجموعه ای کوچک، سازمان یافته و يك جنبش مقاومت زیرزمینی کلاسیک بود و ایده های ویژه ای را گسترش داد که گروه های تروریستی بعدی آنها را پیگیری کردند. هدف آنها، کشتن رهبران ستمگر بود. آنان بر این باور بودند که با پیشرفت تکنولوژی در آن دوران که نمودش بمب و گلوله بود، می توانند یکسره و به گونه روشن به هدفهای مورد نظر خود حمله کنند. همچنین، از دید آنها نظام تزاری یکسره فاسد بود و می بایست با آن مبارزه کرد. از این رو اعضای این گروه توانستند الکساندر دوم تزار روسیه را در ۱۳ مارس ۱۸۸۱ ترور کنند. این نقطه اوج ترور و نیز نقطه پایان آن برای بیش از دو دهه بود. اما این گروه به خواستهای انقلابی خود نرسید. تندترین نظریه پرداز آنها سرگئی نتچایف<sup>۲۶</sup> نویسنده کتاب شریعات انقلابی در ۱۸۶۹ بود که از دید بسیاری کسان، فلسفه ترور شخصی را نمایندگی می کرد.<sup>۲۷</sup>

در دهه های پس از آن، تروریسم با کشته شدن برخی رهبران سیاسی و سران دولتها همراه بود، برای نمونه

نظریه پردازان را جلب کرده است و این نکته را به ذهن می آورد که امروزه، تروریسم، بی توجه به پیشینه تاریخی آن، از سوی این گروهها دنبال می شود.

### تروریسم در گذر تاریخ

نخست به نظر می رسد که اقدامات تروریستی راهکاری برای مبارزه با ناعدالتهای موجود باشد، و از این رو چه بسا پذیرفتنی نیز بود. پیش از این، تروریستها کسانی بودند که برای دستیابی به آزادی می جنگیدند؛ ولی حمله به مرکز تجارت جهانی و پنتاگون در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نشان داد که تروریسم رنگ تازه ای به خود گرفته است زیرا تروریستها وارد مبارزه ای شده بودند که حمله های انتحاری و کشتار جمعی گسترده را در بر می گرفت. پیش از آن، کارهای تروریستی با محدودیتهایی روبه رو بود، ولی حملات ۱۱ سپتامبر و کشته شدن انسانهای بسیار، نشان داد که دست کم جلوی يك گروه را به هیچ صورتی نمی توان گرفت.

در گذشته، ترور در خونین ترین چهره خود، بیشتر از سوی حکومت های خودکامه در برابر شهروندان به کار می رفت. پیشینه تاریخی تروریسم، بیشتر اروپایی بوده است تا خاورمیانه ای؛ و بیشتر در کشورهای سکولار دیده شده است تا مذهبی. واژه تروریسم پس از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه وارد جستارهای اروپایی شد. در آن هنگام، این واژه کمابیش با «حکومت ترس» هم معنا بود. در مجمع ملی انقلابیون فرانسه ترور بعنوان يك قانون به تصویب رسید و در ۱۷۹۳ در دوره ای به نام ترور اول بیش از بیست هزار تن از جمله بسیاری از روحانیان مسیحی و هوادار سلطنت در سراسر فرانسه کشته شدند، در کلیساها را بستند و کلیسای معروف نوتردام را به محل تجمع ها و نمایش و تئاتر تبدیل کردند.<sup>۲۴</sup>

در سراسر سده نوزدهم این واژه دستخوش يك دگرگونی سرنوشت ساز شد که هنوز با آن همراه است؛ به این معنی که گروه هایی غیر دولتی به تروریسم رو کردند. در میان این گروهها، يك گروه کوچک انقلابی روسی به نام «نارودنایا ولیا»<sup>۲۵</sup> یعنی «اراده مردم» بود که در سالهای ۱۸۷۸-۸۱ فعالیت می کرد و با افتخار نام تروریست بر خود گذاشته بود. در واقع، بسیاری کسان

○ پژوهش‌های بسیار نشان داده است که میان پوشش رسانه‌ای، و از همه مهمتر تلویزیونی، و گسترش تروریسم پیوند وجود دارد. رسانه‌ها به سادگی شیوه‌ها و الگوهای تروریستی را در اختیار دارندگان انگیزه‌های تروریستی می‌گذارند و می‌توانند به روشهای گوناگون در آنها ایجاد انگیزه کنند.

کشته شدن «ارشیدوک فرانسوا فریدیناند»، ولیعهد اتریش - مجارستان، به دست یک تروریست ۱۹ ساله بوسنیایی، به نام «گاوریلو پرینسیپ»<sup>۲۸</sup> در سارایوو در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ بود که به فرمان سازمان تروریستی «اتحاد صربستان» یا «انجمن مرگ» انجام گرفت. گاوریلو پرینسیپ و هم‌دستانش از صربهای بوسنی و هرزگوین بودند که سرهنگ دیمیتریویچ رییس سرویسهای اطلاعاتی صربستان آنان را برانگیخته بود. صربستان به نام همبستگی اسلاوهای جنوبی ادعای مالکیت بر بوسنی و هرزگوین را داشت. سرهنگ دیمیتریویچ، رییس سرویسهای اطلاعاتی صربستان در بلغراد، یک سازمان مخفی تروریستی به نام «دست سیاه» به راه انداخته بود. این سازمان خواستار یکپارچگی همه سرزمینهای دربرگیرنده اسلاوهای جنوبی در صربستان بود و به جذب ناسیونالیستهای جوانی چون گاوریلو پرینسیپ پرداخته بود و با دادن اطلاعات و امکانات، این جوانان را تشویق به اقدامات تروریستی می‌کرد. پیامد بزرگ این رویداد آن چیزی نبود که پرینسیپ و همکارانش، انتظار داشتند، چون این رویداد جرقه جنگ جهانی یکم در ۱۹۱۴ را زد.<sup>۲۹</sup>

بر سر هم، کشتن با انگیزه‌های سیاسی، بعنوان یک شیوه تروریستی، در نیمه نخست سده بیستم، بسیار رایج بود و در بیشتر موارد تروریستها به هدفهای خود می‌رسیدند. پس از جنگ جهانی دوم نیز، تروریسم با کشتن رهبران سیاسی همراه بود. در آن دوران، در

برخی مستعمره‌های اروپایی، جنبشهای تروریستی با دو هدف ویژه گسترش یافتند. هدف نخست روشن بود: فشار آوردن به قدرتهای استعمارگر (مانند بریتانیا و فرانسه) برای بیرون رفتن هر چه زودتر از مستعمرات خود؛ اما دومین هدف زیرکانه تر بود: ترساندن دولت وقت، که بی‌گمان پشتیبان استعمارگران بود و تروریستها از یک گروه ویژه برای در دست گرفتن رهبری حکومت پس از دوران استعماری پشتیبانی می‌کردند. گاهی هم، نه همیشه، این استراتژی با پیروزیهایی همراه بود. برای نمونه، در کشور مالی، تروریستهای کمونیست دست به مبارزه‌ای بزرگ در ۱۹۴۸ زدند، اما نتوانستند به هدفهای خود برسند. همچنین، دستیابی هند به استقلال در ۱۹۴۷، برخاسته از فعالیتهای تروریستی نبود، بلکه برآیند فعالیتهای آرام یک جنبش ناراضی مدنی بود که از سوی مهاجرت‌گاندی رهبری می‌شد.<sup>۳۰</sup>

#### غیر نظامیان، هدف تروریستها

پس از پایان گرفتن دوران استعمارگری کشورهای اروپایی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، تروریسم از میان نرفت، بلکه در بسیاری از مناطق در واکنش به برخی شرایط ادامه یافت. در آسیای جنوب خاوری، خاورمیانه و امریکای لاتین کشتن پلیس، زمامداران محلی، گروگان‌گیری، هوایماری و بمب‌گذاری در ساختمانها، شکلهای گوناگونی از تروریسم را به نمایش گذاشت. در بسیاری از این اقدامات غیر نظامیان هدف بودند. در برخی موارد، دولت‌ها پنهانی از اقدامات تروریستی پشتیبانی می‌کردند. در آن دوران تروریسم تنها از ناسیونالیسم و سوسیالیسم انقلابی ناشی نمی‌شد، بلکه نمونه‌هایی از تروریسم مذهبی را نیز دربر می‌گرفت.<sup>۳۱</sup>

اما باید پرسید چه شد که جنبشهای تروریستی راه کشتن مردمان بی‌گناه را نیز در پیش گرفتند؟ پس از جنگ جهانی دوم و سربر آوردن برخی دولتهای نوپا، کارهای تروریستی گسترش پیدا کرد. در آن هنگام خاورمیانه به مهد پرورش تروریستها تبدیل شد. یکی از انگیزه‌های گسترش این گونه اقدامات، گرفته شدن کرانه باختری و غزه از سوی اسرائیل بود. بسیاری از

شیوه به هدفهای خود برسند. آنان در این سالها حمله به شهر و ندان بی گناه را افزایش داده اند، بیشتر به این بهانه که دولت توان پشتیبانی از شهر و ندان را ندارد. اما، تروریستها تنفر شدید مردمان از کارهای خشونت آمیز را دست کم می گیرند.

امروزه، پیشرفت تکنولوژی بر شیوه های کاربرد تروریسم اثر گذاشته است و دولت ها از آن بیم دارند که تروریستها به جنگ افزارهای کشتار جمعی و اتمی نیز دست یابند.<sup>۳۳</sup>

پس از ۱۱ سپتامبر، همگان پی بردند که تروریسم خطری برای تمام جهان است و می تواند آثار زیانبار و سنگینی داشته باشد. از این رو، جامعه جهانی به پژوهش بیشتر در زمینه تروریسم پرداخت. رویدادهای ۱۱ سپتامبر از چند سو قابل بررسی است: نخست آنکه تلفات جانی در این رویداد، بی سابقه بود؛ دوم، خسارات مالی آن بیشتر از ۸۰ میلیارد دلار بود و سبب شد شرکت های بیمه، زیانهای سنگینی ببینند و از عهده پرداخت خسارتهای برآمده از تروریسم بر نیایند؛ سوم، در ۱۱ سپتامبر نشان داده شد که موضوعات ساده می تواند با سلاحهای مرگبار به رویدادهای مصیبت بار بینجامد. خسارات این رویدادها می توانست خیلی بزرگتر نیز باشد؛<sup>۳۴</sup> چهارم، در ۱۱ سپتامبر نشان داده شد که تروریستهای بنیادگرا در جهان امروز، برای پدید آوردن فضای ترس و وحشت و برانگیختن افکار عمومی، خواهان به بار آوردن تلفات سنگین جانی و مالی هستند، در حالی که مبارزات بیشتر تروریستهای

رویدادهای تروریستی در آن هنگام و دهه های پس از آن در خاور میانه با همین دستاویز توجیه می شد که بویژه از ۱۹۶۷ آغاز شد. همچنین، بمب گذاریهای انتحاری از سوی فلسطینیها بعنوان اقدامات تروریستی دیده شد. در آن هنگام گونه تازه ای از خشونتها، بویژه خاور میانه را فرا گرفت که تندروی مذهبی خوانده شد و هوادارانش، دین را ابزار دستیابی به هدفهای سیاسی قرار می دادند.<sup>۳۲</sup>

### تروریسم فرادولتی

در دهه ۱۹۹۰ گونه تازه ای از تروریسم سر بر آورد. اسامه بن لادن، پسر یک مهندس ساختمان، رهبر یک جنبش اسلام گرای تندرو به نام القاعده شد. این گروه با افکاری پیچیده و بی همتا از تندروی اسلامی، به سرزنش کشورهای عربی هوادار غرب، دشمنی با سلطه ایالات متحده آمریکا و نادیده گرفتن پیامدهای اقدامات تروریستی پرداخت. بیشتر رهبران این گروه، در دهه ۱۹۸۰ به آزادی افغانستان از جنگ اتحاد جماهیر شوروی کمک کرده بودند و پس از آن بلندپروازیهایشان در ایستادگی در برابر قدرت جهان غرب افزایش پیدا کرده بود. این گروه در اوت ۱۹۹۸ صدها تن را در بمب گذاری در سفارتخانه های آمریکا در کشورهای آفریقایی کشتند. در اینجا با گونه تازه ای از تروریسم روبه رو شدیم که دارای هدف بود، شبکه ای پیچیده داشت، محدود به کشور خاصی نبود و هواداران آن برای دستیابی به هدفهایشان و نابود کردن مخالفانشان دست به حملات انتحاری می زدند و کشتارهای گسترده ای مانند آنچه در ۱۱ سپتامبر پیش آمد، به راه می انداختند. هدفهای آنها مبهم ولی برای هوادارانشان نویدبخش بود که جایی برای سازش و گفت و گو نمی گذاشتند.

تروریستها با وجود پیش آمدن دگرگونیهای در ابعاد تروریسم، همچنان به کار خود ادامه می دهند، ولی اندک کسان از آنها، جز کشندگان تزار روس، که خود را تروریست خوانده باشند. تروریستها بیشتر شخصیت غیر رسمی دارند. برخی دولتها به شیوه های مرموز تروریستهارا برمی انگیزند یا از آنان پشتیبانی می کنند. تروریستها، ساده لوحانه، می اندیشند که می توانند با این

○ تروریسم بین المللی دو ویژگی آشکار دارد: یکی نداشتن هدفی واقع گرایانه و دیگری بهره گیری از شکنندگی نظامهای پیچیده. گفتمانی است که پیشرفتهای تکنولوژی در زمینه های اطلاعات و ارتباطات و پیشرفتهای اقتصادی، در پا گرفتن و گسترش این پدیده نقش داشته است.

چین یکی از موتورهای اصلی رشد اقتصادی در قاره آسیاست و هر چند از هر سه کارشناس رایانه در جهان، يك تن هندی است، اما از سوی دیگر يك سوم هندیها توانایی خواندن و نوشتن ندارند و کمابیش ۳۰۰ میلیون تن در این کشور در زیر خط فقر زندگی می کنند. با این همه، پیشرفتهای تکنولوژیک در هند، به پویایی تروریستها در این کشور کمک کرده و ارتباط آنها با یکدیگر را در درون و بیرون بسیار آسان ساخته است. این کشور در این سالها پس از عراق بیشترین حمله های تروریستی را به خود دیده است؛ (نمودار دو) هر چند این دو کشور را از نظر بزرگی و شمار جمعیت نمی توان با یکدیگر سنجید.

رشد و توسعه ای که در اقتصاد هند رخ داده است، بیشتر بر طبقه های بالا و میانی این کشور اثر گذاشته است و ۲۵ درصد هندیها هنوز زیر خط فقر زندگی

چپ گرا در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در حوزه های مشخص با هدفهایی محدود بود؛ پنجم، رویدادهای ۱۱ سپتامبر سبب شد که بسیاری از کشورها برای پاسداری از امنیت خود منابع هنگفتی اختصاص دهند. از ۲۰۰۲، بودجه امنیتی ایالات متحده (DHS) ۳۵٪ بیش از ۶۰ درصد افزایش یافت و به ۳۶/۲ میلیارد دلار برای ۲۰۰۴ رسید. در ۲۰۰۵، این بودجه ۱۰ درصد افزایش پیدا کرد و به ۴۰/۲ میلیارد دلار رسید. این هزینه ها در سنجش با هزینه جنگ با تروریسم در افغانستان و عراق، بسیار ناچیز است؛ ششم، کنشهای کشورهای توسعه یافته و ثروتمند، در زمینه مبارزه با تروریسم، به حمله های گوناگون به این کشورها انجامید. برای نمونه، بمب گذاری در قطار مادرید در ۱۱ مارس ۲۰۰۴، اروپا را آگاه کرد که حمله های تروریستی به گونه گسترده در اروپا نیز می تواند روی دهد.<sup>۳۶</sup>

### ت - تروریسم در هندوستان

از آنجا که دموکراسی، مفهومی فراگیر دارد و همه دموکراسیها به يك اندازه به اقلیت و اکثریت توجه نمی کنند، امکان سربر آوردن تروریسم در بسیاری از دموکراسیها که حقوق اقلیت در آنها پیوسته خدشه دار می شود، وجود دارد. در دموکراسیهایی که با تروریسم روبه رویند، در جاتی از ناهمگنی سیاسی، اجتماعی و قومی در جامعه به چشم می خورد. در جوامع چندپارچه و چند قومیتی، احتمال بروز تروریسم بیشتر است. این کشورها که در بیشتر آنها دموکراسی نوپا است، بستر مناسبی برای پرورش تروریسم به شمار می روند. هند بزرگترین دموکراسی و دومین کشور پرجمعیت جهان است. این کشور که در ۱۵ اوت ۱۹۴۷، با پایان یافتن سلطه انگلستان، به استقلال رسید، جمعیتی بیش از يك میلیارد و ۱۰۰ میلیون تن با قومها و مذاهبهای گوناگون دارد. گوناگونی قومی، فرهنگی و مذهبی در این کشور شاید در جهان بی همتا باشد. هند روابط خوبی با جهان دارد. روابط سیاسی هند و آمریکا با بسته شدن قرارداد هسته ای میان دو کشور در ۲۰۰۷ گسترش یافته است. همچنین، این کشور با اسرائیل، همکاریهای امنیتی گسترده دارد. هند، در کنار

○ مهمترین اثر گسترش ارتباطات در جهان امروز، افزایش میزان حساسیت و آسیب پذیری دولتها است. امروزه، بازیگران غیردولتی یا شبکه ای، در پهنه نظام بین الملل با بهره گیری از پدیده تهدید نامتقارن، قدرتهای تازه ای یافته اند و توان وارد آوردن ضربه به نیروهای بزرگتر از خود پیدا کرده اند.

اثر شگرفی که پیشرفتهای تکنولوژیک بر سرشت و نمود تروریسم گذاشته، چشمگیر است. یکی از این آثار ورود اصطلاح سایبر تروریسم به گفتمان تروریسم است. اینترنت یا جهان مجازی، محیطی آفریده است که در آن می توان انواع جرایم را دید و از آنجا که جهان مجازی حد و مرزی ندارد، مشکلات بسیار چه از جهت قانون گذاری و چه از جهت نظارت پدید می آورد.

○ تفاوت تروریسم پُست مدرن با گونه‌های گذشته آن این است که قربانیان آن بیشتر شهروندان بی‌گناهی هستند که یا تصادفی برگزیده شده‌اند یا آنکه به گونه‌ی اتفاقی در صحنه حضور داشته‌اند. به نظر می‌رسد که تروریسم پُست مدرن هیچ محدودیتی را چه در درون و چه در بیرون بر نمی‌تابد. این گونه از تروریسم، بین‌المللی است و شهروندان عادی را بیش از نظامیان هدف قرار می‌دهد؛ همواره جابجا می‌شود؛ از تکنولوژیهای جهانی ارتباطات و اطلاعات بهره می‌گیرد؛ با سلولهایش که نقش شبکه‌های اطلاعاتی دارند، می‌تواند پیوسته خود را بازیابی کند و به قید و بندهای رسمی شناخته شده پایبند نباشد؛ از اهمیت رسانه‌های همگانی برای اثر گذاشتن بر افکار عمومی آگاه است و بر کاربرد آنها تأکید می‌کند؛ از نظر نظامی از پیشرفته‌ترین روشها در زمینه آموزشهای نظامی بهره‌مند است؛ درباره منابع مالی همانند کارتل‌های قاچاق دارو عمل می‌کند و افزون بر همه اینها، آگاهیهای کافی از جنگ‌افزارهای بیولوژیک در اختیار این گونه تروریستها قرار دارد که هر گاه بخواهند، می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند.

و به گونه‌ی اقلیتهای کوچک زندگی می‌کنند؛ نزدیک به ۷۱ درصد آنان در روستاها به سر می‌برند و به کشاورزی سرگرمند. مسلمانان شهری نیز از نظر کار و درآمد از ضعیف‌ترین و پایین‌ترین لایه‌های جامعه شمرده می‌شوند و به کارهایی مانند بارکشی و کارگری،

می‌کنند. یکی از مشکلات اساسی اقتصاد هند، وجود تفاوت جوامع گوناگون در این کشور از نظر درآمد سرانه، تنگدستی و امکان بهبود وضع اجتماعی-اقتصادی است.<sup>۳۷</sup>

اقلیتهای دینی، بویژه مسلمانان و هندوها در گذر تاریخ، در کنار هم، اما جدا از هم زندگی کرده‌اند و هر دو از آمیزش با یکدیگر پرهیز داشته‌اند. این وضع در صد سال پیش از استقلال هند، بسیاری از اندیشمندان مسلمان را به این فکر انداخت که هندوها و مسلمانان سرانجام باید در دو کشور جدا زندگی کنند.<sup>۳۸</sup>

با گسترش ناسیونالیسم تندرو در هند، بویژه در دهه ۱۹۸۰، اقلیتهای خود را با وضع دشواری روبه‌رو دیدند. هندوها خواستار پیوستن اقلیتهای دینی به آیین هندو هستند و سودای ویرانی همه مراکز عبادی مسلمانان و تبدیل آنها به معابد هندو را در سر می‌پروراند. هندویسم همواره وجهی ضد اسلامی داشته است، اما این وجه از چندی پیش آشکارتر شده است. در حالی که دولت هند، مدعی سکولاریسم است و در عمل باید جلوی حمله به اماکن و مراکز مذهبی اقلیتهای را بگیرد، حتا نیروهای پلیس هند هم که بیشتر هندو هستند، در گیریهای طرف هندوها را می‌گیرند یا با کُند کاری خود به آنان کمک می‌کنند. این وضع، دشواریهای زندگی اقلیتهای در هند و آینده نگران کننده آن کشور را نشان می‌دهد.<sup>۳۹</sup>

واقعیتها، نشان دهنده نقش برجسته شکافهای مذهبی-قومی در پیدایش درگیریهای خشونت آمیز است و شکاف ریشه‌دار قومی و زبانی به گونه‌ای گریزناپذیر، دشواریها و مسائل پیچیده‌ای برای یکپارچگی سیاسی و برقراری نظم سیاسی و ثبات پایدار پدید می‌آورد؛ بویژه در مواردی که نهادها و سازمانهای رسمی سیاسی در امتداد خطوط شکاف قومی، مذهبی، زبانی یا نژادی، گسترش یافته باشند.<sup>۴۰</sup>

هند پس از اندونزی، دومین کشور مسلمان‌نشین جهان است. مسلمانان این کشور کمابیش ۱۵۰ میلیون تن برآورد می‌شوند که نزدیک به ۱۳ درصد جمعیت هند را در بر می‌گیرند و بیشترشان سنی‌مذهبند. مسلمانان هند، جز در ایالت کشمیر در دیگر ایالتها اکثریت ندارند

فرهنگی مسلمانان را شناخته است، اما باید پذیرفت که شکاف میان قانون و جهان واقع بسیار است. بیشتر مسلمانان از حقوق بنیادی خود محرومند و این در يك جامعه مدرن پذیرفتنی نیست. با وجود این، اکنون گروههایی هستند که وضع مسلمانان در هند را بررسی می کنند و در این باره به دولتمردان توصیه هایی می کنند.<sup>۴۲</sup>

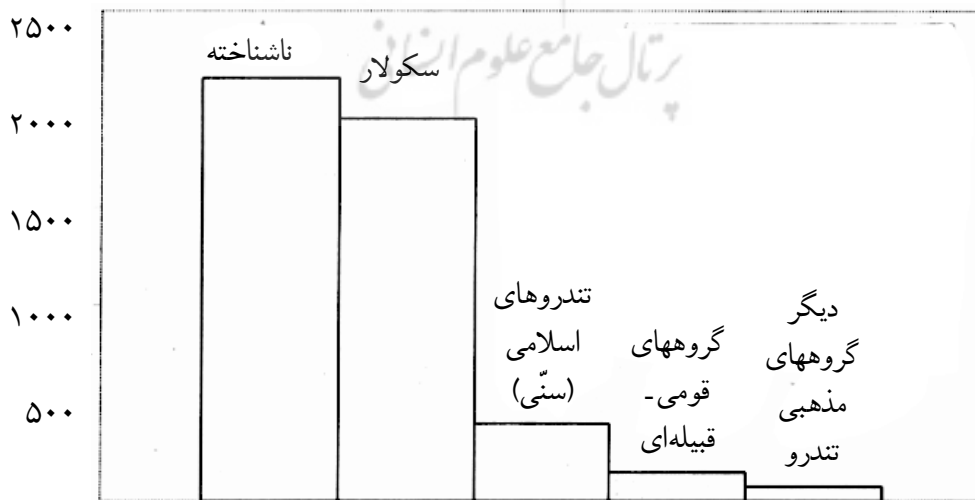
مسلمانان هند از دید اقتصادی آسیب پذیر و محرومند. بر پایه گزارش دولت هند در ۲۰۰۶، مسلمانان در آن کشور در زمینه آموزش، اشتغال و درآمد، به گونه میانگین در سنجش با اکثریت هندو، وضع بدتری دارند. مسلمانان در هند بارها هدف حمله های تروریستی قرار گرفته اند. کشورهای که مسلمانان در آنها در اقلیتند، هدف بهتری برای این تروریستها شمرده می شوند، چون بسیاری از مسلمانان در این گونه کشورها احساس بیگانگی و انزوا می کنند.<sup>۴۳</sup>

مشارکت مسلمانان در ساختار حکومتی هند برای آنان اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا اقلیت اثر گذاری در هند هستند. توجه به این نکته می تواند از تنشهای داخلی در آن کشور بکاهد و صلح و امنیت را در هندوستان برقرار کند. در برابر، نادیده گرفتن مسلمانان و حقوقشان به تنشهای درونی دامن می زند. بی گمان همکاری هندوها

○ هندو بیسم همواره و جهی ضد اسلامی داشته است، اما این وجه از چندی پیش آشکارتر شده است. در حالی که دولت هند، مدعی سکولاریسم است و در عمل باید جلوی حمله به اماکن و مراکز مذهبی اقلیتها را بگیرد، حتا نیروهای پلیس هند هم که بیشتر هندو هستند، در درگیریها، طرف هندوها را می گیرند یا با کُند کاری خود به آنان کمک می کنند. این وضع، دشواریهای زندگی اقلیتها در هند و آینده نگران کننده آن کشور را نشان می دهد.

ریگشاکشی (سه چرخه های مسافرکش) می پردازند و سهمشان از قدرت بسیار ناچیز است.<sup>۴۱</sup> در میان جوامع گوناگون مذهبی و قومی در هند تفاوت های بسیار دیده می شود. حضور کمرنگ مسلمانان هند در زندگی اجتماعی و کارهای مهم، یکی از دلایل خشونت های سیاسی در این کشور است. هر چند قانون اساسی هند حقوق مذهبی، آموزشی و

نمودار ۳- هویت گروه های تروریستی در هند (۲۰۰۸-۲۰۰۶)



در جریان این حمله‌ها دو هتل مجلل و پنج ستاره هندو همچنین يك ایستگاه قطار شهر بمبئی و رستوران معروفی به نام «کافه لئوبولد» و يك مرکز یهودیان مورد حملهٔ تروریستها قرار گرفت. برخی از کارشناسان این حملهٔ تروریستی را با حملات ۱۱ سپتامبر سنجیده‌اند، زیرا نیویورک پایتخت اقتصادی امریکا به‌شمار می‌رود و بمبئی نیز پایتخت اقتصادی روبه‌رشد هند است. برخی کارشناسان نیز رویدادهای تروریستی بمبئی را گونه‌ای تروریسم اقتصادی به‌شمار آورده‌اند.<sup>۴۵</sup>

حمله‌های نوامبر ۲۰۰۸ در بمبئی، از دو جنبهٔ مهم با بیشتر حمله‌های پیشین تفاوت داشت: نخست، از نظر پیچیدگی طراحی عملیات، و نیروی انسانی به‌کار گرفته شده برای اجرای آنها؛ دوم، از نظر قربانی شدن بیگانگان بعنوان هدف. پس از این یورش، کسانی که خود را «مجاهدین دکن»<sup>۴۶</sup> می‌خوانند با فرستادن پیامهایی با بیست الکترونیک برای خبرگزاریهای گوناگون مسئولیت این حمله‌ها در نقاط گوناگون بمبئی را به‌گردن گرفتند. این گروه اعلام کرد که خواستار آزادی مبارزان زندانی و توقف خشونت‌ها بر ضد مسلمانان از سوی هندوها و ساکنان ایالت‌های جنوبی هند است.

بمبئی که بارها صحنهٔ حمله‌های تروریستی شده،

○ در میان جوامع گوناگون مذهبی و قومی در هند تفاوت‌های بسیار دیده می‌شود. حضور کم‌رنگ مسلمانان هند در زندگی اجتماعی و کارهای مهم، یکی از دلایل خشونت‌های سیاسی در این کشور است. هر چند قانون اساسی هند حقوق مذهبی، آموزشی و فرهنگی مسلمانان را شناخته است، اما باید پذیرفت که شکاف میان قانون و جهان واقع بسیار است. بیشتر مسلمانان از حقوق بنیادی خود محرومند و این در يك جامعهٔ مدرن پذیرفتنی نیست.

و مسلمانان این وضع را بهبود می‌بخشد، چون هیچ شیوهٔ سیاسی خشونت‌آمیزی نمی‌تواند مسلمانان هند را از پیگیری خواسته‌هایشان باز دارد.<sup>۴۴</sup>

از دلایل چشمگیر بودن حمله‌های تروریستی در هند، همسایگی این کشور با افغانستان و پاکستان است که در آنجا گروه‌های تندروی بسیاری فعالیت دارند. تجربه نشان داده است که هرگاه در افغانستان و پاکستان گروه‌های تروریستی و تندرو قدرت بیشتری یافته‌اند، پشتیبانان این گروه‌ها بر پایهٔ طرحی آرمانی آنها را به‌سوی هند کشانده‌اند. از همین رو، به‌اندازهٔ مردمان افغانستان و پاکستان، مردمان هند نیز قربانی تروریسم بوده‌اند. هنگامی که طالبان در افغانستان در اوج قدرت بودند، حامیان گروه‌های تندرو می‌کوشیدند از این گروه، بر ضد هند نیز بهره‌گیری کنند. در آن هنگام گروه‌های تروریستی پاکستان بیش از هر جا متوجه کشمیر شدند. در ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ هند بارها از سوی گروه‌های تندرو قربانی درگیری‌های تروریستی شد و چندین حمله خونین در کشمیر و دیگر ایالت‌های هند رخ داد.

در بزرگترین رویداد تروریستی در چند سال گذشته در هند، در ۱۹۹۳ در جریان بمب‌گذاری‌هایی در بمبئی که به جبران ویرانی يك مسجد از سوی تندروهای هندو صورت گرفت، بیش از ۲۵۰ تن کشته شدند؛ در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ به پارلمان هند حمله شد. در ۲۰۰۲ بیش از دو هزار تن از مسلمانان در ایالت گجرات به‌خاک و خون کشیده شدند. این کشتار جمعی در پی طرح این اتهام که گروهی از مسلمانان در کشتار فعالان هندو دست داشته‌اند، رخ داد؛ بیش از ۵۰ تن نیز در ۲۰۰۳ بر اثر انفجار دو خودرو بمب‌گذاری شده، از جمله يك بمب‌گذاری در برابر هتل تاج محل (از جاذبه‌های توریستی این کشور در بمبئی) کشته شدند؛ در ۱۲۹ اکتبر ۲۰۰۵ در دهلی ۶۱ تن بر اثر انفجار سه بمب نیرومند در مراکز خرید آن شهر جان باختند و ۲۰۰ نفر زخمی شدند؛ در ۱۱ ژوئیهٔ ۲۰۰۶ میلادی انفجار هفت بمب در بمبئی ۲۰۰ تن را به‌کام مرگ کشاند؛ حمله‌های تروریستی در نوامبر ۲۰۰۸ در بمبئی که سه روز به‌درازا کشید، به‌کشته شدن ۱۹۵ تن و زخمی شدن ۳۰۰ تن انجامید که در میان کشته‌شدگان ۲۲ تن خارجی بودند.



اقدامات تروریستی مؤثر است. همچنین، یافته‌های ما در مورد هند نشان می‌دهد که تنها تنگدستی بن‌مایه تروریسم نیست، بلکه تنگدستی عاملی است که نارضایتی‌های اساسی موجود را افزایش می‌دهد.<sup>۴۸</sup>

### راهکارهای مبارزه با تروریسم

دولتها برای مبارزه با تروریسم نیازمند مهارت، دانش و منابع هستند. یکی از انگیزه‌های اصلی سازمانهای تروریستی، جلب توجه مردمان است. تروریستها می‌خواهند اقداماتشان پوشش رسانه‌ای داده شود. با اینکه نمی‌توان بیشتر کارهای تروریستی را از افکار همگانی پنهان کرد، می‌توان از بروز آشفتگی و رسیدن تروریستها به خواسته‌هایشان جلوگیری کرد. یکی از راهکارهای مبارزه با تروریسم، کنترل اطلاعات است. سازمانهای تروریستی برای جلب افکار همگانی، می‌کوشند زیرساختهای اقتصادی یک کشور را ویران

○ از دلایل چشمگیر بودن حمله‌های تروریستی در هند، همسایگی این کشور با افغانستان و پاکستان است که در آنجا گروههای تندروی بسیاری فعالیت دارند. تجربه نشان داده است که هرگاه در افغانستان و پاکستان گروههای تروریستی و تندرو قدرت بیشتری یافته‌اند، پشتیبانان این گروهها بر پایه طرحی آرمانی آنها را به سوی هند کشانده‌اند. از همین رو، به اندازه مردمان افغانستان و پاکستان، مردمان هند نیز قربانی تروریسم بوده‌اند. هنگامی که طالبان در افغانستان در اوج قدرت بودند، حامیان گروههای تندرو می‌کوشیدند از این گروه، بر ضد هند نیز بهره‌گیری کنند. در آن هنگام گروههای تروریستی پاکستان بیش از هر جا متوجه کشمیر شدند.

یکی از مراکز بزرگ بازرگانی، فرهنگی و گردشگری هند است که بزرگترین جمعیت کپرنشین هند را نیز در خود جای داده است. بیشترین جلوه‌های تضاد طبقاتی در جامعه هند را می‌توان در این شهر دید. از یک سو صاحبان ثروتهای سرشار در این شهر زندگی می‌کنند و از سوی دیگر توده‌های تهیدستی که حتا توان سیر کردن خود را ندارند. بیش از نیمی از جمعیت شهر، در حصیرآبادها و حلبی‌آبادها به سختی روزگار می‌گذرانند.<sup>۴۷</sup>

برای جلوگیری از فعالیتهای تروریستی در هند می‌توان به چهار نکته اشاره کرد:

۱- وضع هند نشان می‌دهد که اگر پیشرفت و توسعه با معیارها، جغرافیا و نیازهای یک کشور همخوان و سازگار نباشد، می‌تواند به صورت شمشیری دولبه عمل کند؛ یعنی همان گونه که می‌تواند مایه بهره‌روزی مردمان یک کشور شود، می‌تواند به علت نادیده گرفته شدن برخی مسائل، زمینه‌های خشونت و نارضایتی برخی لایه‌های اجتماعی را فراهم آورد.

۲- سیاستهای توسعه‌ای نباید تنها در برگیرنده موارد کلی باشد، بلکه باید بازتابنده نیازها و خواستههای گروههای گوناگون جامعه نیز باشد. این موضوع در کشوری چند قومیتی مانند هند، نمود بیشتری دارد. همچنین این سیاستها باید با نیازهای جوامعی که به گونه سنتی با گرایشهای تروریستی نزدیکی بیشتری دارند، همخوانی داشته باشد.

۳- توسعه اقتصادی و سیاسی می‌تواند از برخی جهات در کاهش روند تروریسم مؤثر باشد. توسعه، فرصتهای کاری مناسب برای نیروهای بالقوه فراهم می‌کند و یک لایه میانی تازه پدید می‌آورد که علاقمند به روشهای صلح آمیز است. منظور این نیست که تنها تنگدستان به گروههای تروریستی می‌پیوندند، بلکه فرض ما بر این است که از دید برخی گروههای تروریستی فعالیتهای تروریستی پاسخ مناسبی به نابرابریهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. بنابراین می‌توان به تلاشهای توسعه‌گرا همچون ایزاری ضد تروریسم نگرست.

۴- سیاستهای توسعه‌گرا به تنهایی خطر تروریسم را از میان نمی‌برد. گفت‌وگوهای سیاسی، عملیات نظامی و ترمیم ساختار روابط اجتماعی نیز در جلوگیری از

○ وضع هند نشان می‌دهد که اگر پیشرفت و توسعه با معیارها، جغرافیا و نیازهای یک کشور همخوان و سازگار نباشد، می‌تواند به صورت شمشیری دولبه عمل کند؛ یعنی همان گونه که می‌تواند مایهٔ بهروزی مردمان یک کشور شود، می‌تواند به علت نادیده گرفته شدن برخی مسائل، زمینه‌های خشونت و نارضایتی برخی لایه‌های اجتماعی را فراهم آورد.

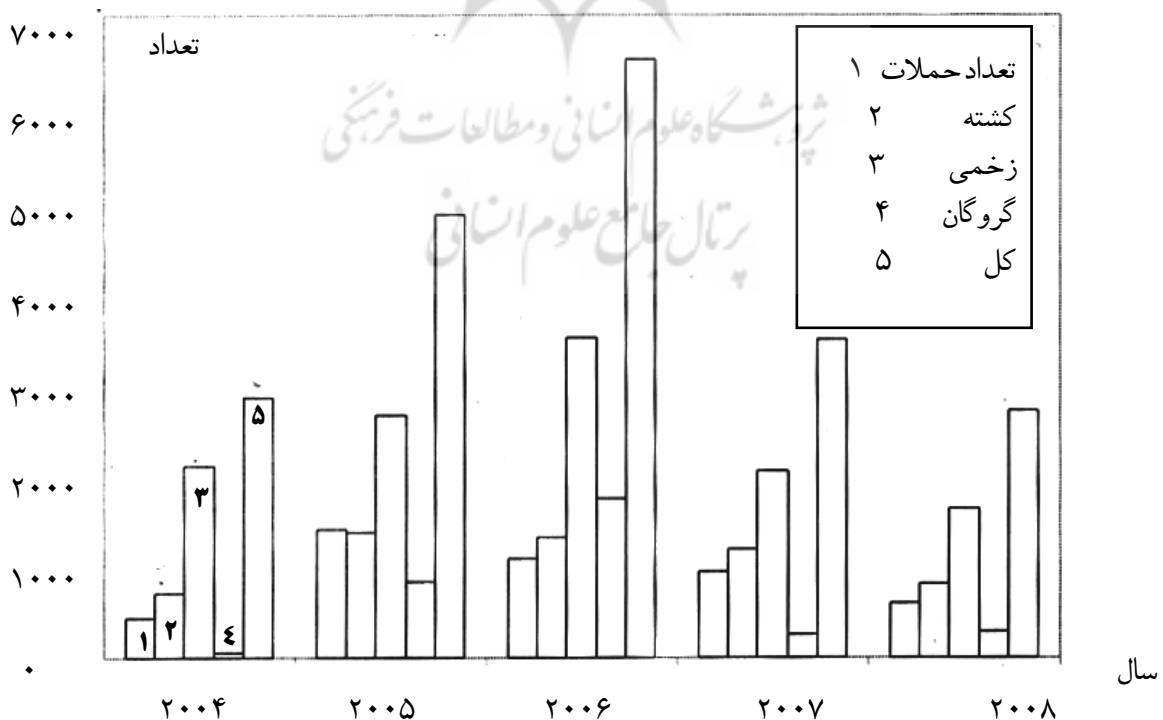
کارهای تروریستی را افزایش می‌دهد و بدین سان تا آنجا که ممکن است از پیوستن افراد به این سازمانها جلوگیری می‌کند. البته این شیوه نیازمند آن است که دولت منابع اطلاعاتی خود را در این زمینه افزایش دهد.<sup>۴۹</sup>

کنند یا به آن صدمه جدی بزنند و بر سر هم آن کشور را ناپایدار و بی‌ثبات کنند.

همچنین، یکپارچگی جامعه بین‌المللی در برابر تروریسم لازم است. از ویژگیهای برجسته کارهای تروریستی در این سالها، بین‌المللی بودن آنها بوده است. در این موارد، وجود يك ارادهٔ بین‌المللی برای برخورد با این کارها ضرورت دارد. همکاری بین‌المللی در برخورد با تروریستها نیازمند طرحهایی قانونی است که اجرا شدنی باشد. ائتلاف بین‌المللی کارآمد میان کشورهایی که در معرض اقدامات تروریستی هستند، لازم است.

سنگین تر شدن کیفی کارهای تروریستی، یکی از راهکارهای مبارزه با این پدیده است. البته این شیوه چه بسا هدف برخی از گروههای تروریستی را که خواهان بیشتر شناخته شدن و جلب توجه هستند، برآورده کند. بهترین شیوهٔ مبارزه با تروریسم، شناختن گروههای تروریستی و نابود کردن آنها پیش از اقدام است. در این حالت سرمایه‌سازمان توقیف و سران آن بازداشت می‌شوند و بدین سان گروه از هم می‌پاشد. با بهره‌گیری از این شیوه، دولت از وارد شدن صاحبان کار، سرمایه و خدمات به این حوزه جلوگیری می‌کند، هزینهٔ

### نمودار ۴ حملات تروریستی در هند (۲۰۰۴-۲۰۰۸)



## بهره سخن:

با اینکه پدیده تروریسم سده‌های پی‌درپی همراه جامعه بشری بوده است، نمی‌توان تعریفی از تروریسم به دست داد که همه گونه‌های این پدیده را که در گذر تاریخ نمود یافته است دربرگیرد. تروریسم را گونه‌هایی است، که ویژگی‌های نه چندان همسان با یکدیگر دارند. شاید تنها ویژگی شناخته شده تروریسم این باشد که این پدیده همواره با خشونت یا تهدید به خشونت ورزی همراه بوده است. بسیاری کسان، ترساندن سیاسی به گونه سیستماتیک را پدیده تازه‌ای می‌دانند که ریشه آن به سده‌های گذشته بازمی‌گردد. البته در درازای تاریخ کشتارهای موارد بسیاری از دشمنان سیاسی به راه افتاده است. امپراتوران روم، در برابر مخالفان، به تبعید و گرفتن اموال و اعدام آنان دست می‌زدند و سلاطین عثمانی، تزارهای روسیه و بسیاری دیگر، دشمنان راستین یا خیالی خود را از میان برمی‌داشتند.

گو ناگونی امروزی تروریسم بسی بیش از سده‌های پیش است و اکنون تروریسم نقشی انکارناشدنی در معادلات سیاسی داخلی و بین‌المللی بازی می‌کند. در سده‌های پیش، تروریسم، دربرگیرنده کارهایی پراکنده، محدود و کمابیش مشخص بود که جنبه داخلی داشت و بیشتر متوجه رهبران و دیپلماتها می‌شد؛ اما اکنون دیگر تروریسم تنها اقدام بر ضد دولتها نیست و افزون بر دولتها، سازمانها، گروههای گوناگون، افراد و ملت‌ها را هدف می‌گیرد. دگرگونیهای شگرفی در نظام بین‌المللی پدید آمده است که یکی از آنها، گسترش تروریسم در شکل‌های گوناگون است. تروریسم از سوی چپ‌گرایان آغاز شد و به دست راست‌گرایان ادامه یافت؛ با ناسیونالیسم آغاز شد و برخی دولتها آنرا پیگیری کردند؛ به بهانه پاکسازی جامعه فاسد و مبارزه با استعمارگران آغاز شد و با پشتیبانی از تولید و فروش مواد مخدر و فساد دنبال شد. تروریسم در دوران جهانی شدن، از درونمایه گرفته تا ساختار، هدف، انگیزه، دامنه و بر سر هم از هر نظر دگرگون شده است و این دگرگونی در راستای افزایش اثرگذاری آن بوده است.

نقطه آغاز تروریسم، نارضایتی بازیگران است. بنابراین بالا گرفتن نارضایتی همراه با عوامل دیگری چون آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدهای رو به افزایش می‌تواند

مایه گسترش ناامنی، خدشه‌دار شدن نظام اجتماعی یا ثبات سیاسی شود و به پدیده‌هایی مانند جنگ، شورش، بر خوردهای مسلحانه و... بینجامد. ولی باید گفت که نابرابری و ناکامی نسبی که خاستگاه نارضایتی است، به تنهایی نمی‌تواند مایه کارهای تروریستی شود.

از سوی دیگر، برای ریشه‌یابی تروریسم، در کنار مسائل عینی مانند خشونت سیاسی، به مسائلی همچون بی‌عدالتی و نابرابری در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز باید توجه کرد. همچنین، عواملی مانند گسترش تکنولوژی بویژه در پهنه اطلاعاتی و ارتباطی، دگرگونی در زمینه تولید جنگ‌افزارها، افزایش شمار بازیگران فرادولتی، گسترش شکاف میان دارا و ندار و شمال-جنوب و همچنین برخی رفتارهای ایالات متحده آمریکا در جهان را می‌توان از ریشه‌های اصلی دگرگونی تروریسم دانست.

تروریسم ریشه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارد؛ عوامل سیاسی آن فضای بسته سیاسی، نژادپرستی، سلطه قدرتهای خارجی و عوامل اقتصادی و اجتماعی آن وجود نظامهای ناعادلانه و استوار بر نابرابری است. فعالیت‌های تروریستی آثار زیانباری بر روابط اجتماعی و اقتصادی میان دولتها می‌گذارد و آثرابه خطر می‌اندازد. همکاری دولتها با یکدیگر از راه تبادل اطلاعات و بستن پیمان‌هایی در زمینه جلوگیری از تروریسم و مبارزه با آن و دستگیری، محاکمه و استرداد عاملان این گونه اقدامها در جلوگیری از این پدیده کارساز است. همچنین، افزایش آگاهیها و پیدا کردن منابع مالی تروریستها، از دیگر اقدامات مؤثر در زمینه مبارزه با تروریسم است.

از عوامل گسترش تروریسم در جهان امروز می‌توان به روند غیرمذهبی کردن کشورها، تنگدستی و نابرابریهای اقتصادی و فرهنگی در بسیاری از کشورها، نابسامانیهای سیاسی و اجتماعی، روند شتابنده جهانی شدن، رونق تجارت جنگ‌افزار، نوآوریهای فنی که کارهای تروریستی را در سطح جهان آسانتر کرده است و نقش رسانه‌ها در انتشار فوری و گسترده اخبار مربوط به کارهای تروریستی، که از یکسو به ترویج افکار تروریستی کمک می‌کند و از سوی دیگر اثربخشی آن بر افکار همگانی را افزایش می‌دهد، اشاره کرد.

- س ۲۱، (زمستان ۱۳۸۶)، صص ۸۷۶-۸۷۹.
24. Laqueur, Walter, **A History of Terrorism**, (London: Transaction Publishers, 2001), p 22.
  25. Narodnaya Volya.
  26. Sergei Netschagew.
  27. Ibid, pp 33-36.
  28. Garril Princip.
  29. Ibid, pp 41-43.
  30. Chaliand, Gerard & others, **The history of Terrorism: From Antiquity to Al- Qaeda**, (LA: University of California Press, 2007), pp 53-54.
  31. McCauley, Clark, **Terrorism Research and Public Policy**, (London: Routledge, 1991), pp 9-10.
  32. Ibid, p. 14.
  33. Chaliand & others, Op.cit, pp 55-58.
  34. Krueger, Op. cit, pp 105-107.
  35. US Department of Homeland Security.
  36. Enders, Sandler, Op. cit, pp 56-57.
  37. <http://www.cfr.org/june/22,2007>.
  38. Karandikar, Maheshwar, **Islam in India's Transition to Modernity**, (Bombay: Orient Longmans, 1968), pp 118-119.
  ۳۹. قاسمی، محمد علی، مدیریت تنوع فرهنگی، (تهران: تمدن ایرانی، ۱۳۸۷)، صص ۱۸۷-۱۸۶.
  ۴۰. جوئر، والتر، منطق روابط بین الملل، ترجمه داوود حیدری، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳)، ص ۲۴۴.
  ۴۱. قاسمی، پیشین، ص ۱۵۴.
  42. Veer, Peter Vander, **Religious nationalism: Hindu and Muslims in India**, (LA: University of California Press, 1994), p 76.
  43. <http://www.hindustantimes.com/news/7752/January16/2006>.
  44. Taher, Mohamed, **Muslims in India: Recent contributions to literature on religion, philosophy, history & social aspects**, (Delhi: Anmol, 1993), pp 17-18.
  45. <http://www.washingtonpost.com/2008/11/26>.
  ۴۶. فلات قاره دکن در جنوب کشور هند واقع شده و ایالت ماهاراشترا، که شهر بمبئی مرکز آن است، در این بخش از کشور هند قرار دارد.
  47. <http://blog.foreignpolicy.com/11/26/2008>.
  48. Cragin, Kim & Chalk, Peter, **Terrorism and Development: Using social and economic development to inhibit a resurgence of terrorism**, (CA: Rand Corporation, 2003), pp 33-35.
  49. Frey, S., Bruno, **Dealing with Terrorism: stick or carrot?**, (UK: Edward Elgar Publishing, 2004), pp 15-17.

## یادداشتها

1. Whittaker, J., David, **Terrorism: Understanding the global threat**, (London: Longman, 2006), 50-51.
2. Ibid.
۳. هابرماس، یورگن، «تروریسم پدیده‌ای مدرن است»، بازتاب اندیشه، ش ۲۲، س ۲، (دی ۱۳۸۰)، صص ۷۹-۸۰.
4. Enders, Walter & Sandler, Todd, **The political Economy of Terrorism**, (Cambridge: Cambridge University Press, 2006), pp 54-55.
5. Ibid. pp 56-57.
6. Krueger, B., Alan, **What makes a terrorist: Economics and the roots of Terrorism**, (Princeton: Princeton University Press, 2007), pp. 41-42.
۷. هابرماس، پیشین.
۸. مردن، سیمون، «فرهنگ در امور جهانی» در: جان بیلیس و استیو اسمیت، جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، ج ۲ (تهران: ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳)، ۱۰۵۱.
۹. عبدالله خانی، علی، تروریسم شناسی، (تهران، ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۶)، ۱۵۷-۱۵۵.
۱۰. گلدستون، جک، مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها، ترجمه محمد تقی دلفروز، (تهران: کویر، ۱۳۸۵)، صص ۱۸-۱۹.
۱۱. رابرت گر، تد، چرا انسان‌ها شورش می کنند، ترجمه علی مرشدی زاده، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷) صص ۵۳-۵۵.
12. Kuriakose, K.K. & others, **Religion, Terrorism and Globalization: nonviolence: a new agenda**, (New York: Nova Science Publishers, 2006) pp 25-27.
13. Al - Khattar, M., Aref, **Religion and Terrorism: An interfaith perspective**, (CA: Greenwood Publishing Group, 2003), p 17.
۱۴. عبدالله خانی، پیشین، صص ۶۶-۶۳.
15. Gurr, Ted, Robert, "People Against States: Ethnopolitical Conflict and The Changing World System", **International Studies Quarterly**, no. 38, september 1994, pp 370-372.
۱۶. بوزان، باری، مردم، دولت‌ها و هراس، (تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸)، صص ۱۴۰-۱۳۹.
۱۷. عبدالله خانی، پیشین، صص ۶۷-۶۶.
۱۸. همان، ۲۶.
19. Kuriakose & others, Op. cit, pp 16-17.
20. Krueger, Op. cit, pp 22-23.
21. Hoffman, Bruce, **Inside Terrorism**, (New York: Colombia University Press, 1998), pp 20-21
۲۲. گروه تحقیق، «جهانی شدن ارتباطات و تهدیدهای امنیت ملی ما»، راهبرد، ش ۳۶، (تابستان ۱۳۸۴) صص ۹۲-۹۰.
۲۳. یزدانی، عنایت‌اله، خداینده، محمد، «علل تحول تروریسم در عصر پست مدرن»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۴،